

Analysis of Time Savings Gained by component Commonality in Supply Chains

M.A. Shafia, M.G. Ariyanzhad & M. Fathollah

M.A. Shafia, Industrial Engineering department, Iran University of Science and Technology

M.G. Ariyanzhad, Industrial Engineering department, Iran University of Science and Technology

M. Fathollah, Industrial Engineering department, Iran University of Science and Technology

Keywords

Product architecture,
Time management,
Commonality,
SCBCP

ABSTRACT

Sharing common resources is amongst critical factors creating competitive advantages in business and manufacturing. In today's competitive and dynamic environment, application of the resource sharing approach has become the focal point of attention for business managers. By resource sharing and through common platform guidelines, the possibility of producing an extended variety of products using the least variable production elements is provided. Meanwhile, today's manufacturing industries are trying hard to plan and manage an effective foundation for creating a value stream from the point of supplying resources to the stage of delivering the final product to the customer. Standardizing and sharing product components and common platforms is of great assistance to this effort. This paper presents a mathematical model to contribute to making the decision of choosing the best combination of common components and analyze the time effects of commonality approach and its possible consequential savings as one of the key performance indicators of a supply chain based on common platform.

© ۱۳۸۸، جلد ۲۰، شماره ۱ (نشریه بین المللی مهندسی صنایع و مدیریت تولید)

اندازه‌گیری میزان صرفه‌جویی‌های زمانی حاصل از مشترک‌سازی مولفه‌ها در زنجیره‌های تأمین

محمد علی شفیعا، میر بهادر قلی آریانزاد و مهدی فتح‌اله

چکیده:

از جمله عوامل مهم ایجاد کننده مزیت رقابتی در کسب و کار و تولید، استفاده از منابع مشترک است. این امر باعث شده در محیط رقابتی و پویای امروز، بهره‌گیری از رویکرد اشتراک منابع در کانون توجه مدیران قرار گیرد. در این رویکرد از طریق راهبرد سکوی مشترک، امکان تولید طیف وسیعی از محصولات، توأم با حداقل تنوع در عوامل تولید فراهم می‌گردد. این در حالی است که عمده کارخانجات و صنایع تولیدی در یک نظام مبتنی بر شبکه، تلاش می‌کنند زمینه ایجاد جریان ارزش را از مرحله تأمین منابع، تا تحویل محصول به مشتری، در کوتاهترین زمان، برنامه‌ریزی و مدیریت نمایند. از جمله مصادیق این راهبرد در طول زنجیره تأمین، مشترک‌سازی

کلمات کلیدی

سکوی مشترک،
زنجیره تأمین،
معماری محصول،
مدیریت زمان و
مشترک‌سازی

تاریخ وصول: ۸۶/۸/۱۲

تاریخ تصویب: ۸۷/۱۰/۱۵

دکتر محمد علی شفیعا، استادیار دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه علم و صنعت ایران، Shafia@iust.ac.ir

دکتر میر بهادر قلی آریانزاد، استاد دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه علم و صنعت ایران، Mirarya@iust.ac.ir

مهدی فتح‌اله، دانشجوی دکتری مهندسی صنایع، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه علم و صنعت ایران، Fath@iust.ac.ir

مؤلفه‌های محصول است. بر این اساس در این مقاله، با هدف ارایه یک مدل ریاضی، سعی شده ضمن تصمیم‌سازی در خصوص انتخاب بهترین ترکیب مؤلفه‌های قابل اشتراک در محصولات، اثر زمانی راهبرد مشترک‌سازی و میزان صرفه‌جویی‌های ناشی از آن به عنوان یکی از معیارهای کلیدی عملکردی در زنجیره تامین، مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد.

۱. مقدمه

توسعه رقابت در سطح بین‌المللی، ایجاد و توسعه مزیت‌های رقابتی را برای دوام و بقا کسب و کار اجتناب‌ناپذیر ساخته است. سرعت بالای نوآوری، تنوع محصولات، انتظارات مشتریان و بسیاری مؤلفه‌های دیگر به عنوان دغدغه‌های کلیدی مدیران بنگاههای اقتصادی عنوان شده است [۱]. در این میان بسیاری از شرکت‌ها و سازمانهای تولیدی با چالش تولید محصولات متنوع، در کوتاهترین زمان و در عین حال با حداقل تنوع در اجزاء و قطعات متشکله محصول مواجه هستند. گونزالس (۲۰۰۱) یکی از مشکلات کلیدی پیش روی طراحان و مهندسان را متعادل‌سازی نیازهای مربوط به تنوع و پیچیدگی محصولات توأم با کاهش زمان و هزینه برای توسعه محصولات جدید می‌داند [۲]. بر مبنای تئوری سکوی مشترک^۱، اگر عوامل مشترکی^۲ بتوان یافت که بر مبنای آن امکان تولید طیف وسیعی از محصولات از طریق تعداد محدودی از اجزاء و قطعات و عوامل تولید وجود داشته باشد، آنگاه می‌توان به مزیت رقابتی مهمی دست یافت. در این راستا هرچند محققین مختلفی طی سالهای اخیر سعی در بررسی تعامل بین تنوع در محصولات و عدم تنوع در عوامل تولید داشتند، ولیکن ابعاد این موضوع در فضای مدیریت زنجیره تامین^۳ کمتر مورد بررسی قرار گرفته است [۳]. بر همین اساس در این مقاله، سعی گردیده ضمن تلفیق و یکپارچه‌سازی مفاهیم مدیریت زنجیره تامین و سکوی مشترک، نسبت به بررسی و مدل‌سازی صرفه‌جویی زمانی حاصل از مشترک‌سازی در طول زنجیره تامین پرداخته شود. در این مقاله، ابتدا مروری اجمالی از ادبیات و مفاهیم سکوی مشترک و مدیریت زنجیره تامین ارایه شده و سپس به طرح سوالات مورد نظر تحقیق پرداخته شده است. در ادامه بدنبال بررسی ادبیات موضوع، زنجیره تامین مبتنی بر سکوی معرفی شده و سپس به موضوع معماری محصول و مشترک‌سازی اشاره گردیده است. در نهایت با توجه به اهداف تحقیق نسبت به مدل‌سازی ریاضی، ارایه الگوریتم حل و سپس حل مدل در دنیای واقعی اقدام شده است.

۲. سکوی مشترک و مدیریت زنجیره تامین

راهبرد سکوی در نتیجه‌ی تلاش برای ساده‌سازی طراحی و توسعه‌ی محصول در اواخر دهه‌ی ۹۰ مطرح شد و تنها پس از اندکی در

سالهای ۱۹۹۴ به عنوان یک راهبرد کلیدی در صنایع مختلف بکارگرفته شد. به عنوان تعریف می‌توان گفت سکوی مشترک، اجزایی از محصول است، که صرف‌نظر از تفاوت‌های ظاهری محصولات، قابل اشتراک هستند [۴]. می‌توان گفت زمانیکه سکوی بکار برده می‌شود، چهار نوع ویژگی محصول به اشتراک گذاشته می‌شود که از جمله می‌توان به (۱) مؤلفه‌ها^۴ که در دنیای سکوی بیشترین اشتراک را بین محصولات دارند، (۲) فرآیندها، بطور مثال فرآیند تولید و توزیع، (۳) افراد و روابط بین آنها و در نهایت (۴) دانش، اشاره کرد.

این رویکرد منافع متعددی بدنبال دارد که از جمله می‌توان به انعطاف‌پذیری در نوآوری، طراحی و توسعه محصولات جدید، کاهش زمان و هزینه‌ها، کاهش پیچیدگی‌های سیستم، تسهیل در برنامه‌ریزی تولید و تامین و امثالهم اشاره کرد [۶ و ۷]. از جانب دیگر طی دو دهه گذشته، مدیران بسیاری از صنایع دریافته‌اند که برای ادامه حضور در بازارهای رقابتی، تنها بهبود فرآیندهای داخلی و انعطاف‌پذیری در توانایی‌های شرکت کافی نیست، بلکه تامین کنندگان نیز باید اجزاء و موادی با بهترین کیفیت و کمترین هزینه تولید کنند و توزیع کنندگان محصولات نیز باید ارتباط نزدیکی با سیاست‌های توسعه بازار تولید کننده، داشته باشند.

با چنین نگرشی، رویکردهای زنجیره تامین و مدیریت آن، پا به عرصه وجود نهاد. با این توضیح می‌توان گفت، زنجیره تامین، تمام فعالیت‌های مرتبط با جریان مواد و تبدیل کالاها از مرحله ماده خام یا استخراج تا تحویل به مصرف کننده نهایی و نیز جریان‌های اطلاعاتی و مالی مرتبط با آنها را توأم با مدیریت هماهنگ و یکپارچه دربر می‌گیرد [۸]. لازم بذکر است از جمله شاخص‌های کلیدی مورد نظر محققین که به جهت مدیریت موثر زنجیره مورد توجه فراوان قرار گرفته است، مؤلفه زمان می‌باشد که در نوشته جاری تمرکز ویژه‌ای بدان شده است [۹].

۳. سئوالات تحقیق

این مقاله به جهت ارایه یک چارچوب کاری برای تصمیم‌سازی در خصوص اثر بکارگیری سکوها در زنجیره تامین، با تاکید بر مدل‌سازی زمان تنظیم شده است. در این خصوص موضوعات متعددی در سطوح راهبردی و عملیاتی مطرح می‌باشد. به عنوان مثال، چگونگی معماری محصول جدید در انطباق با معیارهای زنجیره

¹ Common Platform

² Common components

³ Supply Chain Management

⁴ Components

جدول ۱. مروری بر تحقیقات مشابه

سال	محقق	شرح
۱۹۹۷	Shen and wacker	این محققین با تاکید بر راهبرد مشترک سازی اجزا و قطعات نشان دادند که مشترک سازی منجر به کاهش زمانهای پیش برد طراحی و تولید شده و می تواند منافع زیادی در طول زنجیره تامین فراهم نماید.
۲۰۰۱	M. Dong	بدنبال تحقیق و مدلسازی در خصوص پیکره بندی ساختار شبکه تامین نسبت به معرفی برخی راهبردهای کاهش زمان اشاره کرده و تاکید کرد راهبردهای سکو و مشترک سازی می توانند از طریق کاهش پیچیدگی سیستم ها به کاهش زمانی کمک کنند.
۲۰۰۲	Ulrich Bradley و	مدلی برای تجزیه و تحلیل تاثیر تنوع محصول بر عملکرد زنجیره تامین ارائه می دهد. همچنین نشان می دهد که تنوع محصول، زمان پیشبرد و هزینه را بصورت خطی افزایش می دهد، و در نهایت تنوع بهینه محصول را پیشنهاد می کند.
۲۰۰۲	Shihua Ma et al.	ضمن تاکید بر تاثیر راهبرد مشترک سازی در توسعه و تعالی زنجیره تامین، از طریق مدلسازی ریاضی نحوه تاثیر گذاری زمان فرایند و پیش زمان تامین اقلام را بر تصمیمات مشترک سازی و به تاخیر انداختن بررسی نمودند.
۲۰۰۵	Mary J. Meixell	تاثیر هزینه راه اندازی، مشترک سازی مولفه ها و میزان ظرفیت را بر زمانبندی زنجیره تامین بررسی نموده و بیان می کنند که مشترک سازی مولفه ها بر زمانبندی در زنجیره تامین تاثیر گذار می باشد.
۲۰۰۹	Simpson & Siddique	طراحی مجدد خانواده محصولات را با در نظر گرفتن رویکرد سکو از طریق ارایه یک چارچوب تصمیم گیری مطرح ساخته و نشان می دهد با بکارگیری راهبرد سکو، امکان کاهش زمان و هزینه فراهم می گردد.

تامین، تعیین بهترین ترکیب اقلام مشترک، مدیریت زمان و هزینه در زنجیره های تامین، سیاست گذاری در خصوص مشترک سازی و متمایز سازی، طراحی شبکه تامین و لجستیک در تعامل با راهبرد سکو و بسیاری موارد دیگر را می توان مطرح ساخت که پاسخگویی به هر یک مستلزم تحقیق و بررسی جداگانه است [۱۰]. در این راستا تصمیم گیری در خصوص اجزا و مولفه هایی که می بایست مشترک شوند، از چالشهای اساسی در این حوزه از مسایل است [۱۱]. از جانب دیگر دستیابی به این نکته که مشترک سازی به چه میزان در کاهش چرخه زمانی می تواند مفید باشد، عامل موثری به جهت تصمیم سازی و تصمیم گیری راهبرد مشترک سازی می تواند باشد. لذا آنچه که در این مقاله بدان پرداخته شده، پاسخ به این سوال است که در حالت استفاده از رویکرد سکو، بهترین ترکیب مولفه های مشترک در طول زنجیره چیست و بر مبنای سیاست مشترک سازی به چه میزان صرفه جویی زمانی حاصل می شود؟ شایان ذکر است به منظور ارزیابی و تحلیل موضوعات مورد نظر در این مقاله، ابتدا تلاش گسترده‌ای جهت مطالعه و بررسی تحقیقات انتشار یافته در این حوزه از علم صورت گرفته و سپس با رویکرد تحقیق میدانی و مورد کاوی نسبت به بررسی اثر بکارگیری سکو در طول زنجیره برخی از صنایع خودرو سازی منتخب پرداخته شده است. در ادامه سعی شده نسبت به توسعه مدل ریاضی در بخشی از زنجیره تامین و سپس حل آن در دنیای واقعی اقدام گردد.

۴. کاستی‌های موجود در ادبیات

محققین بسیاری ضرورت توسعه و بکارگیری سکو مشترک را در دنیای کسب و کار کنونی در ارتباط با مفاهیم مدیریت زنجیره تامین مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند. اگر چه در این میان نظرات و دیدگاههای مختلفی به دلیل جدید بودن موضوع مطرح شده و هر یک از زاویه‌ای به بحث پرداخته‌اند، ولیکن می‌توان چند نمونه از تحقیقات محققین را به شرح جدول ۱ مرور نمود.

بررسی های بعمل آمده در ادبیات موضوع حاکی از آن است که عامل زمان همواره به عنوان یک سوژه مهم در نظامهای مدیریت زنجیره تامین و سکو مشترک هر یک بطور جداگانه، مورد توجه محققین قرار گرفته است که از جمله می توان به زمانهای پیشبرد، زمانهای راه اندازی، زمانهای دسترسی به بازار، زمانهای طراحی و تولید و امثالهم اشاره کرد. اما آنچه که کمتر بدان پرداخته شده بررسی نحوه تاثیر واثار راهبرد سکو مشترک در نظام زنجیره تامین آنها به نحوی جامع و کمی می باشد [۱۰ و ۱۲]. لذا در این مقاله بدنبال این کاستی از ادبیات سعی شده است با توسعه یک مدل ریاضی ضمن تعیین بهترین ترکیب اقلام مشترک، نسبت به اندازه گیری میزان صرفه جویی زمانی ناشی از رویکرد سکو مشترک در طول زنجیره تامین اقدام گردد.

بررسی مقایسه ای تحقیقات مرتبط حاکی از آن است که اگر چه برخی محققین با تاکید بر مشترک سازی در زنجیره تامین منافع زمانی و هزینه ای مربوطه را بطرق مختلف کمی و کیفی مورد بررسی و ارزیابی قرار داده اند ولیکن با توجه به جدول یک فهرست برخی از کاستی ها را به ترتیب ذیل می توان برشمرد:

- ♦ به موضوع تلفیق و یکپارچه سازی سیاست های زنجیره تامین و سکوی مشترک بصورت جامع پرداخته نشده است.
- ♦ نحوه تاثیر راهبردهای سکو مشترک بر زنجیره تامین بررسی نشده و معیارهای کمی برای آنها ارایه نشده است.
- ♦ مکانیزمی برای انتخاب بهترین ترکیب مولفه های مشترک در طول زنجیره تامین ارایه نشده است.
- ♦ رویکردی برای اندازه گیری میزان صرفه جویی های زمانی بر مبنای مشترک سازی در زنجیره تامین ارایه نشده است .
- ♦ راهکارهای مدیریت زمان در زنجیره تامین با بهره گیری از رویکرد سکو مطرح نشده است .

۵. زنجیره‌های تامین مبتنی بر سکو

موضوع بررسی ارتباط و تعامل بین معماری محصول، طراحی سکو و زنجیره تامین توسط سالوادور در سال ۲۰۰۰ مورد توجه قرار گرفت. از جانب دیگر همواره تاکید بر آن بوده است که در زمان معماری و طراحی یک خانواده از محصولات، طراحان و تولیدکنندگان، طرح خانواده محصول و زنجیره تامین را به طور هم زمان مد نظر قرار دهند [۱۳]. بر این اساس، یک زنجیره تامین مبتنی بر سکو، یک چارچوب تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ارائه می‌کند تا بر مبنای آن، طرح توسعه شبکه تامین و معماری محصول سازگار با یکدیگر صورت گرفته و منجر به توسعه و تقویت مزیت‌های رقابتی گردد. لذا می‌توان گفت، تصمیمات راهبردی و عملیاتی در طول زنجیره هرکدام می‌توانند به نوبه خود متاثر از راهبرد سکو قرار گیرند. به عنوان مثال، با فرض بهره‌گیری از سکو، تعداد و ترکیب محصولات، ساختار شبکه تامین و لجستیک، تعداد و ترکیب تامین‌کنندگان، رویکرد معماری محصول، تصمیم‌گیری در خصوص جایگاه نقطه متمایزسازی^۱ برقراری تعادل بین سیاست‌های کشتی و فشاری در طول زنجیره، سیاست‌گذاری در خصوص مشترک‌سازی، متمایزسازی، استانداردسازی و ماژولاریتی محصولات، توسعه محصولات جدید و متنوع‌سازی آنها، و دیگر موارد مشابه حائز اهمیت فراوان می‌باشد. لذا ضروری است زنجیره تامین به گونه‌ای طراحی و توسعه یابد که قادر به پشتیبانی از سیاست‌های سکوی مشترک نیز باشد [۱۵ و ۱۴]. برخی از مزیت‌های زنجیره‌های تامین مبتنی بر سکو را به شرح ذیل می‌توان مورد اشاره قرار داد:

- ظهور ابر تامین‌کنندگان^۲ به واسطه رخداد اشتراک منابع و اقتصاد مقیاس در فرایند تامین و لجستیک
- تحول نقش تامین‌کنندگان از حالت مجری قراردادهای ساخت تولیدکننده، به شریک طراحی تولید و مونتاژ مجموعه‌ها و فوق مجموعه‌ها
- ساده‌سازی فرایندهای تامین و تولید اقلام و ماژولهای مستقل و تسهیل در امر واگذاری مسئولیت به تامین‌کنندگان
- کاهش تنوع اقلام و سهولت فرایندهای برنامه‌ریزی تولید تامین و تدارکات
- امکان ساماندهی ساختار شبکه، ترکیب و رده‌بندی تامین‌کنندگان و عوامل توزیع، متناسب با سیاست‌های مشترک‌سازی و متمایزسازی محصولات و عوامل تولید
- امکان بهره‌گیری از تسهیلات لجستیکی مشترک و نیز اشتراک منابع اعم از سخت و نرم فی‌مابین اعضای زنجیره
- افزایش چالاکی، قابلیت واکنش سریع و انعطاف پذیری در طول زنجیره

- توسعه و تقویت تعاملات و ارتباطات فی ما بین ارکان شبکه از طریق اشتراک منابع و تسهیم سود و زیان بین آنها
- امکان توسعه و تقویت مزیت‌های رقابتی در سطح جهانی با بهره‌گیری از اقتصاد شبکه، اقتصاد مقیاس و اقتصاد تنوع^۳

۶. معماری محصول در زنجیره تامین مبتنی بر سکو

مفهوم معماری محصول نخستین بار توسط شخصی به نام آبراتی در سال ۱۹۷۵ مطرح شد. بر این اساس معماری محصول موضوعاتی از جمله: طراحی جهت تخصیص کارکرد به اجزاء فیزیکی محصول، یکپارچه‌سازی اجزاء و عناصر فیزیکی و طراحی ارتباطات و تعامل فیزیکی اجزاء محصول را دربرمی‌گیرد [۱۶]. با کمی دقت، آنچه که در تعریف فوق جلوه می‌نماید، تعیین و تفکیک اجزاء مختلف محصول، جداسازی و در عین حال ایجاد نظم و یکپارچگی، و تعیین ارتباطات فی مابین عناصر مختلف آن است. این مفهوم در حوزه سکوی مشترک چگونگی فراهم شدن الزامات توسعه خانواده‌ای از محصولات را از طریق سکوی محصول فراهم می‌آورد. بر این اساس مشترک‌سازی به عنوان یکی از رویکردهای کلیدی در معماری محصول و در ارتباط با نظام مدیریت زنجیره تامین مورد توجه قرار گرفته است [۱۰]. بر این مینا تشابه یا اشتراک، عبارت از دارا بودن خصیصه و ویژگی‌های مشترک در یک سری محصول یا در فرآیندهای تولید آنها می‌باشد و از جمله مزیت‌های آن می‌توان به کاهش پیچیدگی محصول و فرآیندهای تولید و تامین، حفظ مقیاس اقتصادی، کاهش زمان و هزینه، افزایش انعطاف‌پذیری، مدیریت مناسبتر موجودیها، کاهش زمان دسترسی به بازار، کاهش زمانهای راه اندازی و افزایش بهره‌وری اشاره کرد [۱۷ و ۱۸]. با اینحال از جمله چالش‌های اصلی در بکارگیری راهبرد مشترک‌سازی در معماری محصول، انتخاب ترکیبی از اقلام است که می‌بایست مشترک شوند [۱۱]. در ادامه سعی شده ضمن ارائه راه‌حلی برای مقابله با این چالش، زمینه مدیریت زمان در طول زنجیره‌های مبتنی بر سکو فراهم گردد.

۱-۶. مدیریت زمان در زنجیره‌های تامین مبتنی بر سکو

زمان پیشبرد^۴ به عنوان یک معیار کلیدی جهت ارزیابی عملکرد فرآیند ها از مدتها پیش شناخته شده و فنون و فلسفه‌های تولیدی متعددی از جمله سیستم تولید ناب، به هنگام و چابک، هر یک به نوبه خود بر آن تمرکز داشته‌اند [۱۹]. با اینحال توماس در سال ۱۹۹۰ لزوم توجه به چرخه زمانی^۵ را نیز در زنجیره تامین مورد تاکید قرار داد و این موضوع بعدها توسط محققین دیگری از جمله تان (۲۰۰۱) مورد بررسی قرار گرفت. بر این اساس ضروری است

³ Economy of scope and scale

⁴ Lead Time (LT)

⁵ Cycle Time

¹ Decoupling point

² Mega suppliers

۱-۷. مدلسازی ریاضی

در این بخش به تشریح جزئیات مدل پرداخته می‌شود. هدف از مدلسازی دستیابی به بهترین ترکیب اقلام مشترک و اندازه‌گیری میزان زمان صرفه‌جویی شده ناشی از بکارگیری راهبرد مشترک سازی در زنجیره تامین می‌باشد. برای این منظور با در نظر گرفتن یک شبکه سه سطحی از زنجیره، شامل تامین‌کننده، انبار و تولید کننده نسبت به مدلسازی اقدام خواهد شد به نحوی که موارد ذیل را در بر گیرد: (۱) در فرآیند معماری محصول و توسعه گونه جدید، چه ترکیبی از اجزا و مولفه‌های مشابه موجود را به عنوان عناصر مشترک و قابل جایگزین با عناصر محصول جدید می‌توان بکار گرفت و (۲) در بین مجموعه‌ای از محصولات مشابه و هم خانواده موجود، چه عناصری را به عنوان مولفه‌های مشترک می‌توان انتخاب و با دیگر اقلام جایگزین نمود به نحوی که منجر به کاهش تنوع در اقلام تشکیل دهنده آن دسته از محصولات گردد؟ از این طریق می‌توان زمان بهینه ناشی از مشترک سازی را یافته و با زمان‌های قبل از فرآیند مشترک سازی مقایسه و تحلیل نمود. شایان ذکر است رویکرد مدلسازی این مقاله بر مبنای تشکیل خانواده قطعات بوده و در این راستا از دیدگاه تشکیل سلول و سیستم‌های تولید سلولی^۱ ایده گرفته شده است [۲۲]. برای این منظور بدنبال ارایه تعریفی از مساله مورد نظر نسبت به مدلسازی ریاضی و متعاقب آن آنالیز حساسیت و حل مدل اقدام شده است [۱۹].

۲-۷. فرضیات مدل:

- ✓ تمامی پارامترها بصورت قطعی و معین می‌باشند.
- ✓ ظرفیت تولید برای هر یک از قطعات ثابت و مشخص است.
- ✓ مدلسازی در سطح قطعات می‌باشد که می‌توان با تغییر تعریف از پارامترها و متغیرها آنرا به سطح محصول و پودمان نیز تعمیم داد.
- ✓ فرض بر آن است که مشترک سازی می‌تواند هم در میان قطعات موجود و هم برای طراحی محصول جدید بکار رود.
- ✓ ساختار شبکه تامین و تصمیمات راهبردی و تاکتیکی آن در قبل و بعد از مشترک سازی ثابت فرض شده است.
- ✓ برای یک قطعه ممکن است محدودیت‌های مختلفی از جمله محدودیت تامین قطعه، محدودیت حمل و نقل، محدودیت تولید و غیره وجود داشته باشد. لذا محدودیتی که در مدل اعمال می‌گردد، برابر کمینه محدودیت‌های فوق خواهد بود.
- ✓ در مدل ارایه شده برخی مولفه‌های مهم زمانی در فضای تامین و تولید به جهت مشترک سازی در نظر گرفته شده و حوزه توزیع و فروش در این مساله لحاظ نشده است.

راهبردها و روشهای مناسبی جهت مدیریت چرخه زمان در طول زنجیره تامین مورد توجه قرار گیرد که از آن جمله به رویکرد سکو و مشترک سازی می‌توان اشاره کرد. دانگ در سال ۲۰۰۱ راهبردهای کاهش زمان پیش برد را از راهبردهای کاهش چرخه زمانی، متمایز کرد. بنا به نظر دانگ، از آنجا که هدف از کاهش زمانهای پیشبرد عموماً تلاش در کمینه سازی زمانهای انتظار فرآیندهای مختلف است، افق‌های پیش بینی کوتاهتر شده و لذا از این طریق خطاهای بین برنامه ریزی، پیش بینی و عملکرد کاهش می‌یابد.

از جمله روشهای موثر جهت مدیریت این نوع زمانها، سازماندهی ساختار فرآیندهای کاری و اعمال واکنش سریع است. بطور مشابه، هدف اصلی رویکردهای کاهش چرخه زمانی، حداقل کردن پیچیدگی‌های سیستم از طریق کاهش تنوع اجزا، قطعات و فرآیندها است که با راهبردهایی از جمله مشترک سازی اجزا و قطعات، به تاخیر انداختن عملیات و زمانبندی و توالی فرآیندها، محقق می‌شوند [۲۱]. لذا با کوتاه شدن چرخه زمانی، منافع متعددی از جمله، کاهش خطاهای ناشی از پیش بینی، کوتاه شدن طول صف‌های انتظار، تشخیص سریعتر عیوب و نقایص فرایندها و محصولات، کنترل بهتر تغییرات زمان پیش برد و کاهش سطح موجودی حاصل می‌گردد. شایان ذکر است، روشها و راهبرد های دیگری به منظور کاهش چرخه زمانی مطرح شده است که به طور نمونه می‌توان به باز مهندسی و حذف فرآیندهای غیر ارزش زا، فشرده سازی زمان فرآیند ها، یکپارچه سازی عملیات، اشتراک دانش و اطلاعات و اعمال همزمانی در عملیات اشاره کرد. [۱۹].

۷. توسعه مدل اندازه گیری صرفه جویی زمانی

با توجه به موارد فوق الذکر می‌توان گفت کاهش زمان از جمله اهدافی است که اکثر شرکتها و سازمانها در پی بهره‌گیری از راهبرد سکوی مشترک عنوان کرده‌اند [۱۵].

کاهش زمان به صورت مستقیم و غیر مستقیم در راهبرد سکوی مشترک از ابعاد مختلفی می‌تواند حاصل شود که از جمله می‌توان به کاهش زمانهای تامین، لجستیک، زمانهای توقف خطوط تولید، زمانهای طراحی و مهندسی قطعه/محصول، زمانهای تغییرات مهندسی، زمانهای متناسب‌سازی تولید، زمانهای تولید و مونتاژ و زمانهای راه‌اندازی اشاره کرد.

لازم بذکر است در تحقیقات انجام شده تعریف و تفکیک ساختارهای زمانی در زنجیره تامین، به طرق مختلفی ارایه شده است. با این حال در این مقاله تلاش شده بدنبال مطالعات میدانی و مورد کاوی‌های صورت گرفته در شرکت‌های خودرو ساز ایرانی، ایران خودرو و سایپکو، معیار زمان به عنوان یکی از عوامل کلیدی در جهت افزایش کارایی و اثربخشی زنجیره‌های تامین مبتنی بر سکو مدنظر قرار گرفته و مدلسازی ریاضی بر مبنای مولفه‌های زمانی مورد توجه این صنعت صورت گیرد.

^۱ Cellular manufacturing system (CMS)

MT_{ipm} : متوسط زمان مونتاژ مربوط به قطعه i ام محصول موجود p ام در تولید کننده m ام.

MT'_{nm} : متوسط زمان مونتاژ مربوط به قطعه n ام محصول جدید در تولید کننده m ام.

ST'_{ipm} : متوسط زمان راه اندازی مربوط به قطعه i ام محصول موجود p ام در تولید کننده m ام.

SST'_{nm} : متوسط زمان راه اندازی مربوط به قطعه n ام محصول جدید در تولید کننده m ام.

DT'_{ipm} : متوسط زمان طراحی و مهندسی مربوط به قطعه i ام محصول موجود p ام در تولید کننده m ام.

DDT'_{nm} : متوسط زمان طراحی و مهندسی مربوط به قطعه n ام محصول جدید در تولید کننده m ام.

L_{ipm} : زمان ناشی از توقف خط به علت فقدان قطعه i ام محصول موجود p ام در تولید کننده m ام.

L'_{nm} : زمان ناشی از توقف خط به علت فقدان قطعه n ام محصول جدید در تولید کننده m ام.

Cap_{ip} : ظرفیت مربوط به قطعه i ام محصول موجود p ام.

b : عامل تبدیل ضریب تشابه به زمان.

➤ متغیرهای تصمیم:

X_{jkip} = متغیر صفر و یک، که برابر یک خواهد بود اگر قطعه j ام محصول موجود k به قطعه i ام محصول موجود p تخصیص یابد و در غیر اینصورت برابر صفر خواهد بود.

Y_{nip} = متغیر صفر و یک، که برابر یک خواهد بود اگر قطعه n ام محصول جدید به قطعه i ام محصول موجود p تخصیص یابد و در غیر اینصورت برابر صفر خواهد بود.

۷-۴. مدل بهینه سازی زمان مشترک سازی

بدنبال مواردی که در فوق بدان اشاره شد در این بخش از مقاله به معرفی مدل و ساختار آن پرداخته شده است.

◆ تابع هدف:

عبارت اول تابع هدف مدل بهینه سازی، شامل مجموع زمانهای راه اندازی در تامین کنندگان می باشد که برای قطعه سرگروه محاسبه می‌شود. عبارت دوم شامل مجموع زمانهای تولید در تامین کنندگان می باشد.

عبارت سوم تابع هدف، شامل مجموع زمانهای طراحی و مهندسی در تامین کنندگان است که شامل زمان طراحی و مهندسی قطعه سرگروه، بعلاوه ضریبی از زمانهای طراحی و مهندسی قطعات مشترک شده با سرگروه می باشد.

منظور از قطعه سر گروه، قطعه ای است که به عنوان عنصر منتخب برای مشترک سازی در نظر گرفته شده و می تواند جایگزین عناصر زیر گروه خود شود.

✓ در مدل پیشنهادی فرض بر آن است که از لحاظ فنی و کارکردی امکان مشترک سازی بین مولفه های مورد نظر در فرآیند معماری محصول و در طول زنجیره وجود دارد.

✓ ساختار توابع زمانی مطابق تعاریف ارائه شده در مدل در نظر گرفته شده است.

✓ چرخه زمانی مورد نظر در این مقاله برابر مجموع زمانهای مستقل هر فرایند در نظر گرفته شده است.

۷-۳. پارامترها و متغیرهای تصمیم:

➤ مجموعه ها:

I : اندیس قطعات محصولات موجود. N : اندیس قطعات محصول جدید.

M : اندیس مربوط به تولید کنندگان P : اندیس محصولات موجود.

S : مجموعه تامین کنندگان. W : مجموعه انبارها

➤ پارامترها:

D_{jk} : تقاضا برای قطعه j ام محصول k ام.

D'_n : تقاضا برای قطعه n ام محصول جدید.

α_{jkip} : ضریب تشابه بین قطعه j ام محصول موجود k و قطعه i ام محصول موجود p ام.

α'_{nip} : ضریب تشابه بین قطعه n ام محصول جدید و قطعه i ام محصول موجود p ام.

LT_{ipsw} : متوسط زمان تامین مربوط به قطعه i ام محصول موجود p از تامین کننده s ام به انبار w ام.

LT'_{nsw} : متوسط زمان تامین مربوط به قطعه n ام محصول جدید از تامین کننده s ام به انبار w ام.

ST_{ips} : متوسط زمان راه اندازی مربوط به قطعه i ام محصول موجود p در تامین کننده s ام.

SST_{ns} : متوسط زمان راه اندازی مربوط به قطعه n ام محصول جدید در تامین کننده s ام.

DT_{ips} : متوسط زمان طراحی و مهندسی مربوط به قطعه i ام محصول موجود p در تامین کننده s ام.

DDT_{ns} : متوسط زمان طراحی و مهندسی مربوط به قطعه n ام محصول جدید در تامین کننده s ام.

PT_{ips} : متوسط زمان تولید مربوط به قطعه i ام محصول موجود p در تامین کننده s ام.

PPT_{ns} : متوسط زمان تولید مربوط به قطعه n ام محصول جدید در تامین کننده s ام.

CT_{ipwm} : متوسط زمان حمل به ازای هر واحد قطعه i ام محصول موجود p از انبار w ام به تولید کننده m ام.

$C'T_{nwm}$: متوسط زمان حمل به ازای هر واحد قطعه n ام محصول جدید از انبار w ام به تولید کننده m ام.

(۲) تابع بهینه سازی:

$$MIN: \sum_{s \in S} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} ST_{ips} X_{ipip} + \sum_{s \in S} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} PT_{ips} \left(\sum_{k \in P} \sum_{j \in I} D_{jk} X_{jkip} + \sum_{n \in N} D'_n Y_{nip} \right) +$$

$$\sum_{s \in S} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} \left[(1-k) DT_{ips} X_{ipip} + k \left(\sum_{k \in P} \sum_{j \in I} DT_{jks} X_{jkip} + \sum_{n \in N} DDT'_{ns} Y_{nip} \right) \right] +$$

$$\sum_{m \in M} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} ST'_{ipm} X_{ipip} + \sum_{m \in M} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} MT_{ipm} \left(\sum_{k \in P} \sum_{j \in I} D_{jk} X_{jkip} + \sum_{n \in N} D'_n Y_{nip} \right) +$$

$$\sum_{m \in M} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} \left[(1-k') DT'_{ipm} X_{ipip} + k' \left(\sum_{k \in P} \sum_{j \in I} DDT'_{jkm} X_{jkip} + \sum_{n \in N} DDT'_{nm} Y_{nip} \right) \right] +$$

$$\sum_{s \in S} \sum_{w \in W} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} LT_{ipsw} \left(\sum_{k \in P} \sum_{j \in I} D_{jk} X_{jkip} + \sum_{n \in N} D'_n Y_{nip} \right) +$$

$$\sum_{m \in M} \sum_{w \in W} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} CT_{ipwm} \left(\sum_{k \in P} \sum_{j \in I} D_{jk} X_{jkip} + \sum_{n \in N} D'_n Y_{nip} \right) + \sum_{m \in M} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} L_{ipm} X_{ipip} +$$

$$\sum_{p \in P} \sum_{i \in I} \sum_{k \in P} \sum_{j \in I} (1-\alpha_{jkp}) b X_{jkip} + \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} \sum_{n \in N} (1-\alpha'_{nip}) b Y_{nip}$$

ST:

$$X_{jkip} \leq X_{ipip} \quad \forall i, j \in I, \forall k, p \in P$$

$$Y_{nip} \leq X_{ipip} \quad \forall n \in N, \forall i \in I, \forall p \in P$$

$$\sum_{p \in P} \sum_{i \in I} X_{jkip} = 1 \quad \forall j \in I, \forall k \in P$$

$$\sum_{p \in P} \sum_{i \in I} Y_{nip} = 1 \quad \forall n \in N$$

$$\sum_{j \in I} \sum_{k \in P} D_{jk} X_{jkip} + \sum_{n \in N} D'_n Y_{nip} \leq Cap_{ip} \quad \forall i \in I, \forall p \in P$$

$$X_{jkip}, Y_{nip} \in \{0,1\}$$

۸. الگوریتم حل

برای نشان دادن جواب از یک ماتریس $n \times n$ با عناصر صفر و یک استفاده شده است. در صورتیکه قطعه i به قطعه j که بعنوان یکی از قطعات مشترک شناخته شده است تخصیص یابد درایه $[ij]$ ماتریس برابر ۱ شده و در غیر این صورت صفر می شود. در این ماتریس اگر درایه $[ii]$ برابر ۱ شود بدان معناست که قطعه i م بعنوان یکی از قطعات مشترک انتخاب شده است. شکل ۱ مثالی از یک جواب با در نظر گرفتن ۵ قطعه که قطعه اول محصول جدید بوده و ۴ قطعه دیگر جزو محصولات موجود می باشند ارائه شده است. در این مثال مشاهده می شود که ۳ خانواده از قطعات تشکیل شده است که در آن قطعات ۲، ۴ و ۵ بعنوان قطعات سکو یا سرگروه انتخاب شده اند. بعبارت دیگر، به جای قطعه ۳ از قطعه ۲ استفاده می شود. لذا در این مثال تنوع عناصر ۵ گانه به سه نوع کاهش یافته است.

شماره قطعه	۱	۲	۳	۴	۵
۱	۰	۰	۰	۱	۰
۲	۰	۱	۰	۰	۰
۳	۰	۱	۰	۰	۰
۴	۰	۰	۰	۱	۰
۵	۰	۰	۰	۰	۱

شکل ۱. نحوه نمایش جواب

عبارت چهارم مجموع زمانهای راه اندازی در تولید کنندگان را به ازای مولفه سرگروه محاسبه می‌کند. عبارت پنجم مجموع زمانهای مونتاژ در تولیدکنندگان بوده و عبارت ششم، زمانهای طراحی و مهندسی در تولید کنندگان را که شامل زمان طراحی و مهندسی قطعه سرگروه بعلاوه ضریبی از زمانهای طراحی و مهندسی قطعات مشترک شده با سرگروه می‌باشد را دربرمی‌گیرد.

عبارت هفتم، شامل مجموع زمانهای تامین از تامین کنندگان به انبارها بوده و عبارت هشتم، مجموع زمانهای حمل از انبارها به تولیدکنندگان را نشان می دهد.

عبارت نهم، شامل مجموع زمانهای توقف خط ناشی از فقدان قطعات است که فقط برای قطعه سرگروه محاسبه می شود. عبارت دهم و یازدهم نیز شامل مجموع زمانهای ناشی از عدم تشابه بین قطعات محصولات موجود با یکدیگر و قطعات محصول جدید با قطعات محصولات موجود می‌باشد که در تعامل بین مشترک سازی و متمایز سازی به مدل اضافه شده است.

♦ محدودیتها:

محدودیت اول و دوم تضمین می کنند که تا قطعه ای سرگروه نشده است، قطعه دیگری با آن مشترک نشود. محدودیت سوم و چهارم تضمین می‌کنند که هر یک از قطعات محصولات موجود و قطعات محصول جدید فقط باید در یک گروه قرار گیرند (فقط با یک قطعه سرگروه، مشترک شوند).

محدودیت پنجم محدودیت ظرفیت مربوط به قطعات می باشد و محدودیت ششم، صفر و یک بودن متغیرهای تصمیم را تضمین می‌کند. به منظور واقعی نمودن مدل، ابتدا عدد ثابتی برای ضریب تشابه (g) در نظر گرفته و چنانچه $\alpha_{jkp} < g$ و یا $\alpha'_{nip} < g$ باشد در اینصورت در همان ابتدای مدل X_{jkip} و Y_{nip} برابر صفر در نظر گرفته می شود.

(۱) تابع زمان قبل از مشترک سازی:

$$f(x) = \sum_{s \in S} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} ST_{ips} +$$

$$\sum_{s \in S} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} PT_{ips} D_{ip} + \sum_{s \in S} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} DT_{ips} + \sum_{m \in M} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} ST'_{ipm} +$$

$$\sum_{m \in M} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} MT_{ipm} D_{ip} + \sum_{m \in M} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} DT'_{ipm} +$$

$$\sum_{m \in M} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} L_{ipm} + \sum_{s \in S} \sum_{w \in W} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} LT_{ipsw} D_{ip} +$$

$$\sum_{m \in M} \sum_{w \in W} \sum_{p \in P} \sum_{i \in I} CT_{ipwm} D_{ip} + \sum_{s \in S} \sum_{n \in N} SST_{ns} +$$

$$\sum_{s \in S} \sum_{n \in N} PPT_{ns} D'_n + \sum_{s \in S} \sum_{n \in N} DDT_{ns} +$$

$$\sum_{m \in M} \sum_{n \in N} SST'_{nm} + \sum_{m \in M} \sum_{n \in N} MT'_{nm} D'_n + \sum_{m \in M} \sum_{n \in N} DDT'_{nm} +$$

$$\sum_{s \in S} \sum_{w \in W} \sum_{n \in N} LT'_{nsw} D'_n + \sum_{m \in M} \sum_{w \in W} \sum_{n \in N} CT'_{ndw} D'_n +$$

$$\sum_{m \in M} \sum_{n \in N} L'_{nm}$$



شکل ۳. تاثیر پارامتر b بر تعداد خانواده محصول

۸-۲. کاربرد مدل زمان در دنیای واقعی

در این بخش از مقاله نسبت به حل مدل اندازه‌گیری میزان صرفه‌جویی زمانی بر مبنای اطلاعات دنیای واقعی شرکت ایران خودرو برای یک نمونه خاص از رویکرد مشترک سازی جهت دسته سیم اصلی در محصولات سمنند اقدام شده است. دلایل انتخاب این قطعه را جهت مشترک سازی به شرح ذیل می‌توان برشمرد:

- ◆ دسته سیم اصلی در سمنند به عنوان یکی از قطعات استراتژیک و گرانتقیمت در سیستم تامین و تولید ایران خودرو محسوب می‌گردد.
- ◆ ۱۵ نوع دسته سیم در ۱۵ مدل مختلف سمنند بکارگرفته می‌شود که از تنوع زیادی برخوردار است و این در حالی است که تفاوت‌های اندکی بین دسته سیم‌ها وجود دارد.
- ◆ تامین کنندگان محدودی برای تامین این قطعه وجود دارد.
- ◆ مدیریت تامین و تدارک انواع متعددی از دسته سیمها در زمان مناسب و مقدار مورد نظر از پیچیدگی زیادی برخوردار است. با توجه به موارد فوق الذکر و بدنبال آنچه که در تعریف موضوع و سوالات این مقاله مطرح شد سعی بر آن است تا با کاهش تنوع اقلام دسته سیم نسبت به رفع موانع و مشکلات مذکور اقدام نموده و در عین حال از صرفه‌جویی‌های زمانی حاصل از مشترک سازی نیز در طول زنجیره بهره‌مند شد.
- مساله مورد نظر با توجه به ساختار اطلاعات ورودی برای حالتی از مدل مورد بررسی قرار گرفته است که بر اساس آن از بین ترکیبی از مولفه‌های موجود، بهترین ترکیب عوامل مشترک شناسایی گردیده و میزان صرفه‌جویی‌های زمانی نیز مورد محاسبه قرار می‌گیرد. همانگونه که در ساختار مدل پیشنهادی مطرح گردید برای دستیابی به این اهداف ابتدا نسبت به اندازه‌گیری مجموع زمانها در طول زنجیره تامین به ازای محصولات مورد نظر اقدام شده و سپس با نتایج حاصل از مدل بهینه‌سازی به جهت انتخاب بهترین ترکیب عناصر مشترک مقایسه شده و نهایتاً میزان صرفه‌جویی‌های زمانی اندازه‌گیری می‌گردد.

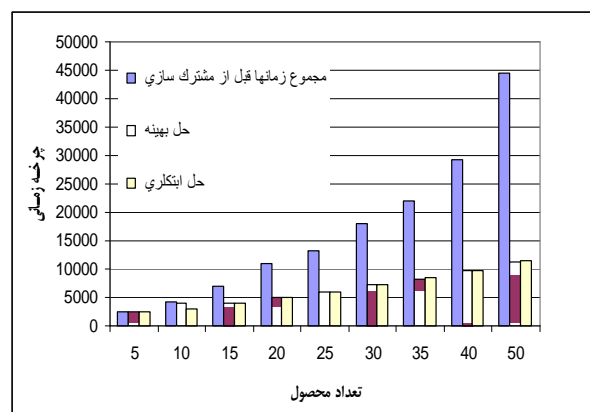
۸-۱. نتایج محاسباتی و تحلیل حساسیت سیستم

نتایج محاسباتی ارائه شده در این بخش با هدف ارزیابی عملکرد الگوریتم SA، می‌باشد. این الگوریتم ارائه شده، توسط برنامه VB6 کد بندی شده و برای ابعادی از ۵ تا ۵۰ محصول نمونه حل شده است. هدف ما در این بخش، (۱) ارزیابی عملکرد الگوریتم ابتکاری ارائه شده و (۲) بررسی تاثیر تغییر پارامتر b بر تعداد خانواده‌های محصول تشکیل شده، می‌باشد. به منظور ارزیابی عملکرد الگوریتم شبیه‌سازی ارائه شده، ۹ مساله با نرم افزار LINGO.8 حل شده و با جواب حاصله از الگوریتم SA نیز مقایسه شده است. همانطور که در نمودار شکل ۲ مشاهده می‌شود جوابهای الگوریتم SA، بهینه یا نزدیک به بهینه می‌باشند و همچنین مشاهده می‌شود که در هر مساله، مشترک‌سازی محصولات منجر به کاهش زمان به میزان قابل توجهی شده است.

با مقایسه خروجی تابع هدف با تابع زمان در حالت قبل از مشترک‌سازی می‌توان صرفه‌جویی‌های زمانی ناشی از مشترک‌سازی را نیز مشخص نمود. بر این اساس هر چه تعداد اقلام و عناصر افزایش می‌یابد بهره‌گیری از سکوی مشترک می‌تواند صرفه‌جویی بیشتری را به ارمغان آورد. شکل ۳ تاثیر پارامتر b بر تعداد خانواده‌های محصول تشکیل شده را نشان می‌دهد.

همانطور که مشاهده می‌شود، با افزایش مقدار پارامتر b که می‌تواند بر مبنای نظرات افراد خبره تعیین شود، تعداد خانواده‌های محصول تشکیل شده نیز افزایش می‌یابد. با احتساب یک مقدار بسیار بزرگ برای این پارامتر، مدل به سمتی حرکت می‌کند که هر قطعه با خودش مشترک شود و یا به عبارت دیگر قطعه‌ای به عنوان عنصر سرگروه و یا سکو انتخاب نگردد.

لذا می‌توان نتیجه گرفت در دنیای واقعی می‌بایست تعادلی بین منافع ناشی از مشترک‌سازی و نیز زمان و هزینه‌های مربوطه که به دلیل از دست دادن سطحی از کارکردهای عناصر مورد نظر رخ می‌دهد، فراهم گردد.



شکل ۲. مقایسه نتایج حل ابتکاری و بهینه

¹ Visual basic 6

۹. نتیجه‌گیری و تحقیقات آتی

در این مقاله نشان داده شد که توسعه و تلفیق راهبرد سکوی مشترک با مفاهیم مدیریت زنجیره تامین و یا به عبارت دیگر طراحی و ساماندهی زنجیره‌های تامین مبتنی بر سکوی مشترک، می‌تواند رویکردی تکامل یافته‌تر و با هم افزایی بیشتری فراهم کرده به نحوی که بهبودهای قابل توجهی را در معیارهای عملکردی از جمله زمان فراهم آورد.

مطرح شد که ساماندهی نظام زنجیره تامین مبتنی بر سکو، مستلزم پاسخگویی به نیازهای راهبردی و عملیاتی مختلفی است که می‌بایست مدنظر قرار گیرد. در ادامه جهت پاسخگویی به سوال تحقیق مبنی بر چگونگی انتخاب بهترین ترکیب عناصر مشترک در طول زنجیره به نحوی که کاهش تنوع مولفه‌های تشکیل دهنده محصولات را در فرآیند معماری محصول توأم با کاهش زمان بدنبال آورد، نسبت به پیشنهاد یک مدل ریاضی جهت پشتیبانی از تصمیم مشترک سازی اقدام گردیده و ضمن توسعه و تبیین مفاهیم مرتبط با زنجیره‌های تامین مبتنی بر سکو و چگونگی مدیریت زمان، نسبت به حل مدل اقدام گردید.

نتایج حاصله حاکی از آن است که مشترک سازی در طول زنجیره تامین می‌تواند صرفه جویی‌های قابل ملاحظه‌ای در مولفه‌های زمانی بدنبال آورد.

جدول ۳. ترکیب دسته سیم‌های مشترک به ازای

مقادیر مختلف b

b	دسته سیم‌هایی که با هم مشترک می‌شوند
۳	{۱۴-۱۱-۱۰-۹-۸-۶-۳-۲-۱-۱۵} و {۱۳-۱۲-۷-۴-۵}
۵	{۱۱-۲-۶-۸-۹-۱۰} و {۱۵-۱-۳-۴} و {۵-۴-۷-۱۲-۱۳}
۶	{۹-۲-۱۰} و {۱۵-۱-۳-۴} و {۸-۶-۱۱-۱۲} و {۵-۴-۷-۱۳}
۷	{۹-۲-۱۰} و {۱۵-۱-۳-۴} و {۸-۶-۱۱} و {۵-۴-۷-۱۲-۱۳}
۸	{۹-۱۰} و {۲} و {۱۵-۱-۳-۴} و {۵-۴-۷-۱۳} و {۸-۶-۱۱-۱۲}
۹	{۲} و {۱۵-۱-۳-۴} و {۵-۴-۷-۱۳} و {۸-۶-۱۱-۱۲} و {۹-۱۰}
۱۰	{۱-۹-۱۰} و {۲} و {۱۵-۳-۱۴} و {۵-۴-۷-۱۲-۱۳} و {۸-۶-۱۱}
۱۱	{۱} و {۲} و {۱۵-۳-۱۴} و {۵-۴-۷-۱۳} و {۸-۶-۱۱} و {۱۰} و {۱۲} و {۹}
۱۲	{۱} و {۲} و {۱۵-۳-۱۴} و {۵-۴-۷-۱۳} و {۸-۶-۱۱} و {۱۰} و {۱۲} و {۹}
۱۴	{۱} و {۲} و {۳} و {۵-۴-۷} و {۸} و {۶} و {۹} و {۱۰} و {۱۱} و {۱۲} و {۱۳} و {۱۴} و {۱۵}

بر این مبنا بدنبال اندازه گیری تابع تجمعی زمان زنجیره قبل از مشترک سازی، مجموع چرخه زمانی زنجیره در مساله مورد نظر ۱۳۳۰ روز محاسبه گردید.

از آنجا که ساختار مدل پیشنهادی وابسته به پارامتر b است، لذا حل مساله به ازای مقادیر مختلف این پارامتر محاسبه شده و نهایتاً مطلوبترین گزینه انتخاب می‌گردد. همانگونه که پیش از این نیز بدان اشاره شد، پارامتر b به عنوان عاملی برای تبدیل تشابه بین مولفه‌ها به زمان در نظر گرفته شده است. شایان ذکر است تشابه از ابعاد مختلفی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد که از جمله به تشابه فنی، کارکردی، فناوری تولید و ساختار شبکه تامین می‌توان اشاره کرد. بدیهی است هرچه تشابه بین مولفه‌های مورد نظر بیشتر باشد زمان کمتری جهت مشترک سازی مولفه‌ها سپری خواهد شد و برعکس.

بر این اساس به ازای مقادیر مختلف پارامتر b (موضوع جداول ۳ و ۲) نسبت به محاسبه زمانهای قبل و بعد از مشترک سازی اقدام شده است.

نتایج حاصله حاکی از آن است که با افزایش مقدار b تعداد و ترکیب عوامل مشترک افزایش یافته تا جاییکه دیگر قطعه‌ای به عنوان قطعه مشترک انتخاب نمی‌گردد. محاسبات بعمل آمده نشان می‌دهد که به ازای افزایش مقدار b میزان صرفه جویی زمانی حاصله کاهش می‌یابد. لذا، از این طریق می‌توان بر مبنای نظر فرد خیره بهترین ترکیب کاهش تنوع اقلام دسته سیم را برای محصول سمند مشخص ساخت.

جدول ۲. حل مدل و صرفه جویی‌های حاصله ناشی از

ترکیب عناصر مشترک (بر حسب روز)

مقدار پارامتر b	مقدار زمانی پارامتر b	مجموع زمانها بعد از مشترک سازی	میزان صرفه جویی زمانی	تعداد دسته‌های حاصل از مشترک سازی
۳	۷.۸	۱۳۰۳.۹	۲۶.۱	۲
۵	۱۰.۷۵	۱۳۰۵.۸	۲۴.۲	۳
۶	۱۰.۸	۱۳۰۷.۹	۲۲.۱	۴
۷	۱۲.۶	۱۳۰۷.۹	۲۲.۱	۴
۸	۱۲.۴	۱۳۰۹.۳	۲۰.۷	۵
۹	۱۳.۹	۱۳۰۹.۹	۲۰.۱	۵
۱۰	۱۵.۵	۱۳۰۹.۳	۲۰.۷	۵
۱۱	۱۰.۴	۱۳۱۵.۹	۱۴.۱	۸
۱۲	۱۱.۴	۱۳۱۵.۹	۱۴.۱	۸
۱۴	۲.۸	۱۳۲۵.۹	۴.۱	۱۳

Int. journal of Operation and Production Management, Vol21, No2/1, 2001, pp.71-87.

- [10] Krishnan, V., Ulrich, K.T., "Product Development Decisions: a Review of the Literature", management science, Vol47, No.1, jon2001, pp.1-21.
- [11] Fellini, R., Perez, A., Fenyas, P.A., "A Sensitivity Based Commonality Strategy for Family Products of Mild Variation, with Application to Automotive Body Structures" Symposium on multidisciplinary analysis and optimization, Atlanta, 2002.
- [12] Nobelius, D., Sundgren, N., "Managerial Issues in Parts Sharing Among Product Development Projects: a Case Study", J. Eng. Technol. Manage. 19, 2002, pp. 59-73.
- [13] Lamothe, J., et al. "An Optimization Model for Selecting a Product Family and Designing its Supply Chain", European Journal of Operational Research 169, 2006, pp. 1030-1047.
- [14] Appelqvist, P., Juha-Matti Lehtonen and Jukka Kokkonen "Supply Chain Design: Literature Survey and Case Study", Journal of Manufacturing Technology Management Volume 15 · Number 7, 2004, pp. 675-686.
- [15] Simpson, T.W., "Product Platform Design & Optimization; Status & Promise", computer & information in eng. conference, Chicago, sep,2003.
- [16] Simpson, T.W., Siddique, Z., Jiao, J., "Platform Based Product Family Development", product platform and product family design ,Springer science , USA, 2006.
- [17] Zhou, L., Grubbstrom, R., "Analysis of Effect of Commonality in Multi Level Inventory System Applying MRP Theory", int.j.production economics 90, 2004, pp. 251-263.
- [18] Sheu, C., John, G., Wacker, "The Effects of Purchased Parts Commonality on Manufacturing Lead Time", International Journal of Operations & Production Management, 1997.
- [19] Jones, R.M., Towill, D.R., "Total Cycle Time Compressin and the Agile Supply Chain "Int. J. Production Economocs, 62, 1999, pp. 61-73.
- [20] Tan, K.C., "A Framework of SC Management Literature", European journal of purchasing and supply chain management 7, 2001, pp. 39-48.
- [21] Dong, M., "Process Modeling, Performance Analysis and Configuration Simulation in Integrated Supply Chain Network Design", Virginia Polytechnic Institute and State University, 2001.
- [22] Wang, J., "Formation of Machine Cells and Part Families in Cellular Manufacturing Systems Using a Linear Assignment Algorithm", Automatica 39, 2003, pp. 1607 - 1615.
- [23] Kirkpatrick, C., Gelatt, V., Vecchi, "Optimization by Simulated Annealing" Science 220, 1983, pp. 671-680.

این مهم با افزایش شمار محصولات و قطعات از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. نکته مهم دیگر، توجه به برقراری تعادل بین مشترک سازی و متمایز سازی مولفه‌های متشکله محصول است، چرا که با مشترک سازی، سطحی از کارکردهای مورد انتظار برای هر مولفه خاص به جهت پوشش کارکردهای جمعی کاسته می شود که این امر به نوبه خود افزایش زمان و متعاقبا هزینه هارا در بر دارد، لذا تصمیم‌گیری جهت تعیین سطح قابل قبولی از مشترک سازی در طول زنجیره تامین مطابق مدل پیشنهادی ضرورت می‌یابد. در خاتمه جهت تحقیقات آتی، می‌توان مدلسازی چند هدفه معیارهای عملکردی زنجیره تامین مبتنی بر سکوی مشترک را که شامل زمان، هزینه و انعطاف‌پذیری می‌باشد، بصورت یکپارچه مطرح ساخت. توسعه و تعمیم مدل پیشنهادی به کل شبکه و نیز به دیگر سطوح معماری محصول نیز از جمله موضوعاتی است که می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. همچنین از منظر مدلسازی می‌توان به توسعه مدل‌های احتمالی، پایدار، فازی و نیز تغییر و تعدیل محدودیت‌ها و مفروضات سیستم پرداخت. به جهت روشهای حل نیز می‌توان بکارگیری دیگر روشهای ابتکاری و فرا ابتکاری را توصیه نمود.

مراجع

- [1] Cullen, T., "Automotive Logistics Europe: A Detailed Overview of the Market for Logistics Services in the European Automotive Sector", Transport Intelligence Ltd, 2006
- [2] Gonzalez, J.P., Otto, K.N., Baker, J.D., "Assessing Value in Platform Product Family Design", Res. Eng. Design, 13, 2001, pp. 30-41.
- [3] Fathollah, M., Shafia, M.A., "A Survey of Common Platform Applications and Research Issues for Industries and Industrial Engineers", The International Journal of Applied Management and technology, Vol 4, Num 2, 2006.
- [4] Siddique, Z., "Identifying Common Platform Architecture for a Set of Similar Products", World Congress on Mass Customization and Personalization, Hong Kong, 2001.
- [5] Meixell, M.J., Vidyaranya, B., Gargeya, "Global Supply Chain Design: A Literature Review and Critique", Transportation Research Part E 41, 2005, P. 53.
- [6] Muffatto, M., Roveda, M., "Developing Product Platforms: Analysis of the Development Process" Technovation, 2000.
- [7] Kim, J.V., Wong, V., Eng, T.Y., "Product Variety Strategy for Improving new Product Development Proficiencies", Technovation, 2004.
- [8] Chopra, S., Meindl, P., "Supply Chain Management, Strategy, Planning and Operation" prentice hall, USA, 2007.
- [9] Gunasekaran, A.C., Patel, E., Tirtiroglu, "Performance Measures and Metrics in a Supply Chain Environment"